

• چه باید کرد؟

توسعه همکاری‌های مردم-مردم

ما یک بخش بزرگی از کاری که باید بکنیم این است که خود ایرانی‌ها را بتوانیم توجیه کنیم و از منافع و خدماتی که حضور مهاجرین در ایران داشته با خبر کنیم. متأسفانه ما با یک بدبینی عمیق مواجهیم

تقریباً جمع‌بندی قطعی خود من این است که حوزه مهاجرین از آنجایی است که باید «سیاست عملی» از حوزه قانونی و رسمی جلو بیفتد و یعنی بدنه مردمی باید الگوهایی را از همزیستی و تعامل با مهاجرین بتواند ارائه کند تا حاکمیت که نگران است، ببیند که اتفاقاً در دل این همزیستی فرصت‌های زیادی وجود دارد و این به نظرم رویکرد رو به جلویی است که ما باید داشته باشیم. ما نمی‌تونیم منتظر اصلاح نگرش حاکمیت باشیم. اینجا از همان جاهایی است که باید جریان مردمی به خط بزند و کار خودش را بکند، البته زک می‌گویم: با احتیاط؛ شجاعانه ولی با تدبیر و حزم.

خب پس سیاست اصلی رو به جلو باید سیاست «مردم-مردم» باشد و اتفاقاً این با شرایط هم سازگارتر است. ما اگر می‌خواهیم کاری کنیم، باید برویم سراغ مردم، کف میدان و تشکل‌های فعال که بسیار هم زیاد هستند. ما باید برویم به سمت همکاری‌های مردمی.

• تربیت انقلابی و توانمندسازی

حالا جمیع ملاحظاتی که گفتیم با همه توصیفات و تحلیل‌هایی که کردم، باز به نظر من حوزه «تربیت و تربیت انقلابی» می‌شود اولویت، چون کمبودش جدی‌تر است. علی‌رغم اینکه بالاخره ما خیلی از میدان‌های عمومی را برای تحصیل و غیره فراهم کرده‌ایم، ولی آن تأثیرگذاری هویتی و انقلابی را به خصوص نتوانستیم داشته باشیم. لذا اگر کسی باز بخواهد بگوید حالا در گام بعدی چه زمینه‌ای اولویت من باشد؟ می‌گویم حوزه تربیت جزو اولویت‌هاست. «خدمت» هم که خب قطعاً جزو اولویت‌هاست و صادقانه با حفظ کرامت با نگاه به توانمند کردن خودشان، نه اینکه بخواهیم آنها را وابسته کنیم.

• فعالیت‌های فکری

در حوزه پژوهش هم کارهایی انجام شده ولی اندک است. ما یک خانم ایرانی که در کانادا یا امریکاست پیدا کردیم که چهارسال خودش در گلشهر زندگی کرده بود. پایان‌نامه کارشناسی ارشدش در کانادا «زیست مهاجران در ایران؛ نمونه موردی گلشهر» بود. پایان‌نامه‌اش هم محرمانه است. چهار سال در گلشهر برای خودش کار پژوهشی عمیق می‌کرده راجع به نوع زیست مهاجرین افغانستانی در ایران. می‌خواهم بگویم حتی یک پژوهش با این عمق پیدا نکردیم که ما خودمون انجام داده باشیم. دیدیم که اصلاً تعداد پژوهش‌ها و مطالعات حوزه مهاجرین، چه به لحاظ نظری و عمیق‌تر و چه به لحاظ عینی و توصیفی بسیار اندک‌اند. خود مهاجرین هم کارهایی دارند انجام می‌دهند که البته زیاد نیست.

• بازنمایی خدمات متقابل مهاجرین

بازنمایی خدمات متقابل مهاجرین و ایرانی‌ها از دیگر موارد مهم است. ما یک بخش بزرگی از کاری که باید بکنیم این است که خود ایرانی‌ها را بتوانیم توجیه کنیم و از منافع و خدماتی که حضور مهاجرین در ایران داشته با خبر کنیم. متأسفانه ما با یک بدبینی عمیق مواجهیم؛ ما هم جزو جامعه ایران هستیم. بیش از پنجاه درصد جامعه ایرانی طبق پژوهش‌های مختلف از حضور مهاجرین افغانستانی ناراضی است. در بعضی از محلات در کلانشهرها مثل تهران، ۷۰-۷۵ درصد مخالف‌اند. حالا من به تحلیل این کار ندارم. لذا چاره‌ای نداریم و باید ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، ارتباطات و خدمات متقابل را نشان دهیم تا اساساً نگرش و گفت‌وگویمان جامعه ما نسبت به مسأله مهاجرین تغییر کند.